سال سوم شماره ۵۴۳ — JUNE 4, 1945 — سه‌شنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۲۴

رهبر

ارگان مرکزی حزب توده ایران

هیئت تحریریه: ایرج اسکندری - پروین گنابادی - احمد قاسمی - انور خامه - علینقی حکمی

اکثریت تبهکار مجلس با آوردن و بردن مغرضانه دولتها وقت پارلمان را تلف کرده و بزرگترین خیانت را بملت ایران میکنند

بر علیه هر گونه استعمار ... (۲)

در زمان ما که ملل کوچك وعقب‌مانده تا اندازهٔ بیدار شده وبرعلیه استعمار کشور خود مبارزه میکنند و نهضت آزادی و سوسیالیسم جهانی بنفع رهائی ملل مظلوم تقویت یافته است وتماس منافع دول بزرك مختلف النفعه افزون شده است سیستم استعمار کشورهای کوچك ازطرف امپریالیستها نیز تغییر یافته و ازشکل کلاسیك و قدیمی خود خارج گردیده است .

امروز اشغال نظامی و استثمار مستقیم ملتی بوسیله دولت زورمند دیگر کمتر عملی است زیرا مقتضیات جهانی و احساسات ضد استعماری ملل کوچك آنرا طرد مینماید ، لذا استعمار باشکال و صورتهای مختلفی عملی میشود که کم‌وبیش قیافه امپریالیسم خارجی‌را درزیر ماسك حکومت پوشالی وطنی پنهان میسازد تاهم سرپوشی بروی احساسات آزادی‌طلبانه توده‌های ملت بگذارند وهم مورد اعتراض ومخالفت دول ذینفع دیگر قرار نگیرند .

یکی از اشکال این استعمار که مورد نظرماست اینست که امپریالیستها با استفاده ازقدرت مالی خود عدهٔ از افراد طبقه حاکمه‌را خریده و بوسیله آنها نفوذ خودرا بسط داده و عده بیشتری از افراد این طبقه‌را بپول، مقام، زور وتهدید وغیره رام ومطیع خود میسازند . آنگاه بایشتیبانی این عناصر که مجلس ودولت‌را دردست دارند ، وزراء روسای دوایر، حکام وفرماندهان نظامی‌را از دست نشاندگان خود انتخاب مینمایند و درنتیجه با دست این اشخاص و بادستور ادارات و نمایندگان رسمی و سیاسی خود چرخهای امور را بمیل خود میگردانند . نفوذ در دستگاه دولتی و اداری بآنها اجازه میدهد که مالیه ، اقتصاد وصنعت کشوررا نیز تحت اراده خود در آورند و درنتیجه سیاست داخلی و رژیم حکومتی‌را بمیل خود تعیین کنند وسیاست خارجی‌را نیز بصلاح خویش هدایت نمایند .

در تمام این احوال امپریالیسم بطریق نامرئی فعالیت میکند ، آنچه در ظاهر بنظر میرسد کشوری مستقل ! و حکومتی خود مختار ! است ولی در باطن آن دولت خارجی استعمار طلب است که زیر ماسك طبقه حاکمه کشور و دولت پوشالی حکمروائی میکند . و برای تامین این منظور و تهیه استثمار کامل امپریالیستها دولت پوشالی داخلی‌را با همه گونه ظواهر ملی و شعار های وطنی میارایند تا احساسات ملت و نظریات دنیا را فریب دهند .

رژیم داخلی حکومت پوشالی نیز بمقتضای سیاست امپریالیسم خارجی و شرایط‌بین‌المللی ممکنست بصورت دمکراسی قلابی یا دیکتاتوری درآید درکشور ماحکومت وثوق‌الدوله و ساعد ازنوع اول و حکومت گودتای سید ضیاء و رضا خان از نوع دوم میباشد از آنجا که رژیم دموکراسی هر قدر هم که قلابی وضعیف باشد در نتیجه آزادی نسبی عقاید واجتماعات فرصت انتقاد ازسیاست استعماری ومبارزه با عملیات استعمار کنندگان و برداشتن ماسك آنهارا میدهد معذلك دموکراسی مزبور اما پایدار بوده وبزودی بدیکتاتوری تبدیل میشود ، زیرا رژیم دیکتاتوری بر اثر تمرکز قدرت و عدم‌رعایت رسوم و قوانین هم بهتر میتواند منافع اربابان استعمار کننده را تامین نماید و هم بیشتر قیافه شوم امپریالیسم را در زیرماسك خودمخفی نماید .

لوازم و مشخصات کلی این نوع استعمار نامرئی بقرار زیر است :

۱ - تحت نفوذ در آوردن و مطیع ساختن دستگاه دولتی و اداری

۲ - مطیع کردن قشون محلی

۳ - رام نمودن مردمان و عشایر و حل و فصل امور کشور بطور مستقیم یا غیر مستقیم .

در نتیجه این سه عامل امپریالیستها میتوانند اولا اقتصاد تجارت و صنعت را مطابق منافع خود رهبری کرده و کشور را بنفع خویش استعمار کنند و ثانیاً خط مشی سیاست داخلی و خارجی را طبق میل و صلاح خود تعیین نموده و توسط عمال دولتی خود اجرا نمایند .

در اینجا بی مناسبت نیست که گزارشات رسمی ومحرمانه فرماندار شاه‌آباد غرب را که در مجلس توسط نماینده توده خوانده شد تجزیه وتحلیل کنیم : از گزارشات مزبور که بهیچوجه از طرف مراجع رسمی تکذیب نشده وحتی اظهارات یکی ازنمایندگان غرب نیز محتویات آنرا تصدیق نمود مطالب زیر مستفاد میشود :

۱ - دستگاه اداری و دولتی غرب تحت نفوذ واراده کنسولگری و مامورین سیاسی بیگانه میباشد . در گزارش ذکر شده است : « استاندار منطقه جز اراده مامور سیاسی متفقین کلنل بیت کوچکترین تصمیمی را از

بقیه درصفحه ٤

دانشجویان دانشکده کشاورزی در تهران

دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج بریروز برای مذاکره با اعضاء شورای عالی فرهنگ و اعتراض باساسنامه جدیدکه در شماره دیروز اشاره شده بود بتهران آمده و نمایندگان آنها آقای وزیر فرهنگ را ملاقات نمودند بقرار اطلاع واصله دانشجویان تصمیم دارند تاهنگامیکه نظریات اساسی آنها تامین نشود از دادن بقیه امتحانات خودداری نمایند .

اتور خامه

بحران سوریه و اتحاد اعراب

درروزهای اخیر در کشورسوریه و لبنان حوادث شومی اتفاق افتاد که گر اینکه ظاهراً اکنون آتش آن خاموش شده ولی از شدت وحدت بحران سیاسی آن بهیچوجه کاسته نگردیده است . هنوز آتش شعله‌ور جنگ اروپا بکلی فرو ننشسته وهنوز از کنده‌سوزان اروپا دود بلند است که صدای بمب و گلوله در سوریه بگوش میرسد و حتی نزدیك بود که در نتیجه اصطکاك منافع فرانسه وانگلیس آتش جنگ در خاور میانه شعله‌ور شود . وقایع سوریه بخصوص از این لحاظ اهمیت دارد که یك حقیقت مسلم ولی تلخی را نشان میدهد: در دنیای کنونی یعنی دنیائی که از شرفاشیسم سرکوبی شده رها گردیده و امنیت اروپا را تاحدی بازیافته مرکز تصادم منافع و منبع اختلاف نظر ها بیش از هرجای دیگر خاور میانه است . اخیراً یك شخصیت برجسته اقتصادی امریکا که سالها ریاست موسسات اقتصادی این کشور را در خاورمیانه عهده دار بوده اظهار داشته بود : جنگ سوم جهانی از کشور های خاور میانه سر چشمه خواهد گرفت » .

دوروز پیش اگر دولت فرانسه در مقابل فرمان حمله انگلیس ازدرصلح وصفا پیش نیامده بود ممکن بود دنیا اکنون در مقابل عملی شدن این پیش‌بینی تلخ قرار گرفته باشد

چرا خاور میانه رابایدمرکز اصطکاکهای آتیه جهان دانست؟

علل این حقیقت رابایدد در محیط و شرائط خاور میانه جستجو کرد .

قبل از هرچیز خاورمیانه دارای دو اهمیت اساسی است که خواه و ناخواه نظر دولتهای بزرك وتوجه سیاست جهانی را متوجه آن میسازد. نخست هم اکنون خاور میانه یکی از منابع مهم نفت خیز جهان بوده و از قراری که متخصصین اظهار اطلاع میکنند در آنچه احتمال دارد بزرگترین

بقیه در صفحه ۲

از روزنامه دیلی ورکر

ترجمه: ح. سرشار

بقلم پرفسور ج. ب. س. هالدین

و ۲۰ و سومین جنگ جهانی

دو کنفرانس بالتا سه زمامدار ملل متفق نه تنها درباره عملیات جنگی بلکه در باره مسائل زیرین نیز توافق نظر حاصل کردند :

۱ — ایجاد یك نظم جهانی که، در پناه قانون، صلح، امنیت، آزادی وسعادت عمومی افراد بشر راتامین کند

۲ - ادامه وتقویت وحدت نظر و عمل دردوران صلح، وحدت نظروعملی که حصول پیروزی را ممکن ساخت.

قسمت اعظم حزب محافظه‌کار ، برای درهم شکستن این موافقت ازهیچگونه سعی و کوششی دریغ روا نخواهد داشت و در اینراه از پشتیبانی پاره ای احزاب دیگر وبویژه احزاب کاتولیك، که در سیاست از مانند مذهب پیرو واتیکان میباشند ، برخوردار خواهد بود

با اینهمه گروه قابل ملاحظه ای از «تری» ها بدفاع ازاین توافق نظر و حمایت آن برخواهند خاست نه از آنروی که دوستدار فکر همکاری با بلشویکها یا حتی باامریکائیان میباشند بلکه بدین جهت که ایشان بتوسعه وپیشرفت صنایع جنگی باعلاقه ودقتی بیشتر از اغلب اعضای دیگر احزاب مینگرند .

هم‌زمان با کنفرانس بالتادوواقعه مهم روی داد . یکی بمبارات

بقیه درصفحه ۲

اعتصاب در پالشگاه نفت

طبق اطلاع واصله از کرمانشاه سه‌روز است کارگران پالشگاه نفت کرمانشاه بمنظور ازدیاد دستمزد اعتصاب کرده اند

ماهنوز ازچگونگی این اعتصاب اطلاع صحیحی در دست نداریم ولی امیدواریم در این موقع که جنگ هنوز برعلیه ژاپون ادامه دارد این اعتصاب هرچه زودتر بطور مناسبی با مسالمت پایان یابد .

ناطق اکثریت از طبقه حاکمه تبهکار دفاع میکند

-۲-

تاسف آورترین قسمت مذاکرات آقای فرهودی از طبقه حاکمه آنجا بود که کوشش و حرارت بسیاری بخرج میداد تا سیاست و رفتار رضاخان را نسبت بکشور اتحاد جماهیر شوروی صحیح جلوه داده وآنرا از اتهامات وارده تبرئه کند.

او باذکر چند رقم درباره مبادله کالا که آنهم بتصدیق خودش غیر واقعی بود میخواست تمام خیانتکاری‌های رژیم رضاخانی را در سیاست خارجی پرده پوشی کرده وکلیه تبلیغات خصمانه بر علیه شوروی، سختگیریها ، بد رفتاری ها تحقیر ها و تعطیل موسسات بهداشتی و فرهنگی آنهارا انکار نماید .

پس از واقعه شهریور کلیه طبقات و تمامی جراید ایران از چپ و راست و حتی بازیگران عصر پهلوی هم تصدیق کردند که بزرگترین خیانت رژیم دیکتاتوری رضاخان سیاست خصمانه او نسبت باتحاد جماهیر شوروی بود و با تائید این مطلب میخواستند طبقه حاکمه وااز خطر تکرار این خیط آگاه نمایند.

در نظر هرکس که قبل از شهریور در ایران زندگی کرده است دشمنی دستگاه حکومتی رضاخان باهمسایه شوروی ماامری بدیهی و پیش پا افتاده است حالا نماینده اکثریت بدون خجالت سعی میکند اینهمه حقایق بارز راکه هزاران دلیل زنده موید آنست تکذیب نماید و در حقیقت از سیاست رضاخان دفاع کند . ملت ایران که از سیاست شوم رضاخانی زیان هنگفتی دیده آیا اکنون حق ندارد دفاع نماینده اکثریت مجلس را علامت آغاز رجوع بسیاست رضاخانی تلقی نماید ؟ آیا اکنون بخوبی واضح نیست که همین طبقه حاکمه فاسد شریك جنایات سیاسی رضاخان بوده است و اکنون پس از یکدوره سکوت ازشهریور ۱۳۲۰ ، باینطرف که بنا بر مقتضیات جهانی بوده است مجددا فعالیت خودرا سر گرفته و با دفاع از سیاست رضا خان بستگی وعلاقهٔ خود را بسیاست یکطرفه و خصومت و سوءنیت خویش را نسبت بدوستی ایران و شوروی آشکار میسازد. ناطق اکثریت میگوید « بن حکومت رضاخان و دولت شوروی کمال صفا صمیمیت و اعتماد وجود داشته است » و « نسبت دادن سیاست یکطرفه تهمتی

بقیه در صفحه ٤

از محله جنك وطبقه کارگر

ترجمه علی‌اصغر سروش

جبران غرامات بوسیله کار

-۲-

اگر محافل وسیعه کشورهای متفق طرفدار فکر استفاده از کارگران آلمانی بمنظور جبران ترونهای از بین رفته میباشند معهذا کسانی هم هستند که با این فکر مخالفت دارند. مخالفین جبران غرامات بوسیله کار، قبل از هر چیز میترسند که مبادا این جبران — بزیان اقتصاد دنیا — منجر بفرسودگی اقتصادی آلمان وبه « فقیر شدن آن » گردد که این قسمت برای تجارت دنیا مضر خواهد بود. مجله انگلیسی موسوم به (اکونومیست) چندین بار بدین نحو اظهار نظر کرده است

روزنامه هفتگی انگلیسی (نیوستیت من اندنیشن) نیز همین عقیده رادارد: « چنانچه درآلمان قدرت تولید به حد شایسته ای نرسد خرابیهائی که در اثر جنگ در اروپا رخ داده درتمام مدت عمر نسل کنونی ترمیم نخواهد شد . »

نباید فراموش کرد که این نگرانیها تازه نیست . بعد از نخستین جنگ بین المللی هم چنین دلایلی از طرف بعضی از محافل با نهایت قوت انتشار یافت . معلوم است که درآن دوره بالاخره قرضه های کریمانه ای به آلمان «فرسوده » داده شد تانوانست صنایع جنگی شگرفی ایجاد کند و تدارك جنك بین المللی دوم را ببیند

بقیه در صفحه ۳

دولت سقوط کرد

پس از بیست روز مباحثه دراطراف برنامهٔ دولت چنانکه ضمن یکی از مقالات روزنامهٔ رهبر پیش بینی کرده‌بودیم کابینه آقای حکیمی روز گذشته پس از نطق مفصل رئیس دولت با امتناع کسانیکه بایشان اظهار تمایل کرده بودند مواجه گردید و بالنتیجه از ۹۵ نفر حاضرین در جلسه بیش از ۲۵ رای موافق بدست نیاورد وسقوط نمود.

فراکسیون توده چنانکه علنا نیز اعلام نموده بود چون برنامه دولت را کافی برای اصلاحات نمیدانست با اوراق کبود مخالفت خود راتائید نمود.

ما ضمن مقالهٔ که سابقا در روزنامه رهبر نوشتیم توجه خوانندگان را باین نکته جلب نمودیم که اوضاع پارلمانی وسیاسی کشورما بمرحلهٔ رسیده که هیچ دولتی دیگر نمیتواند بدون توجه به تمایلات اقلیت مجلس مصدر امورشود. زیرا اگر بخواهد صرفا نظریات اکثریت را در نظر گیرد با مقاومت اقلیت قوی مجلس و اوبستروکسیون نمایندگان آن مواجه خواهد شد و چون اکثریت هم‌حاضر نیست از تقاضاهای نا مشروع خود دست بردارد همواره دولتها با وضعیت دشواری روبرو میشوند. بنابراین فقط دولتی خواهد توانست بروی کار بیاید که حد اقل تمایلات مردم ایران را مورد نظرقرار داده و بتواند از عملیات نا مشروع عدهٔ استفاده طلب جلوگیری نماید

بهر حال سقوط کابینه های بیات وحکیم الملك دوحقیقت مسلم اجتماع کنونی مارا آشکار ساخت :

نخست آنکه مقصود اکثریت نمایندگان مجلس از ابراز تمایل برئیس دولت اینست که نظریات خصوصی ومنافع شخصی خودرا تامین نمایند و اگر دولتی حاضر بقبول تمایلات آنان نشود باوجود اینکه خود آنرابروی کار آورده اند باون هیچگونه خجالت با آن مخالفت میکنند

دوم آنکه اقلیت کنونی مجلس که مظهر تمایلات اصلاح خواهانهٔ ملت ایران است بقدری ازلحاظ معنوی قدرت یافته است که بتواند درمقابل تمایلات نا مشروع اکثریت مقاومت نمایدودولتها را علی‌رغم اکثریت وادار باتخاذ رویهٔ معتدلی کند.

www.iran-archive.com

در مجلس

یک ساعت بظهر دیروز جلسه علنی مجلس بریاست سید محمدصادق طباطبائی تشکیل شد.

بدوا رئیس تذکر داد که در این جلسات که حاضرنیست واسطه کسالت مزاجی ایشان بوده است. سپس آقای حکیمی «حکیم الملک» پشت تریبون آمده و ضمن نطق مفصل خود اظهار داشت:

بیاناتی که نمایندگان فرمودند شنیدم و امیدواری کامل دارم که پس از تصویب برنامه با همکاری نمایندگان تمام آنها را انجام دهم و بیمرفته مطالبی که از نطق‌های نمایندگان مستفاد می شد چند قسمت بود اول راهنمائی هائی که نمایندگان بنا به بصیرت و تجربت خود کرده‌اند و اینجانب باعرض امتنان اطمینان میدهم که همه آنها مورد کمال دقت قرار خواهد گرفت. دوم شکایت هائی که ازطرز جریان امور در دستگاه دولت وجود دارد و اینجانب و همکارانم برخود فرض میدانیم که همه آن شکایت‌ها را قدم بقدم پیش کشیم. سوم بیاناتی که درخصوص آذربایجان فرمودند و منشاء آن کمال توجه مرکز ثقل مملکت نسبت به آن ایالت میباشد و باکمال اطمینان میتوانم بگویم که با این علاقمندی عموم افراد مملکت ایران شریک وسهیم اند

ومسلم است که دولت اینجانب نهایت جدیت را برای تامین نظر مجلس بعمل خواهد آورد چهارم اظهارات مربوط بوزارت جنگ و دو دستگی در آن وزارت خانه است و بنده صریحا اعلام مینمایم که شخصا تحکیم مبانی قشون را از وظایف اولیه دولت میدانم و بدیهی است که یکی از اصلاحات اولیه محاکمه و مجازات ارفاق ناپذیر مامورین خاطی و متعصر لشکری است پنجم توضیحاتی است که در باب مبنا سیاست خارجی مخصوصا نسبت بدو دولت همسایه ما دادند بجمله اظهار امید واری کرده اند که متحدین ما ایران را تخلیه کنند هرچند اصول سیاست خارجی دولت در برنامه کاملا توضیح شده است لکن مجددا بعرض میرسد که ملت و دولت ایران از دیرباز همواره طرفدار استقرار صلح و صفا در عالم بوده اند وامروز نیز همان رویه را دنبال خواهد کرد و بعلاوه مسلم است که دولت ایران در کلیه مناسبات و معاملات خود باهریک از ددو دولت همسایه کالا بکسان و بر پایه واحد عمل خواهد کردو بهر دو بیک چشم خواهد نگریست.

سپس آقای حکیمی اشاره بوحدت ملی و تقویت حکومت مرکزی کرده و نیز شرحی در خصوص ضعف حکومت های سابق و عدم قدرت آنها برای اداره امور مملکت ایراد کرد و متذکر شد که اغلب فسادد رنتیجه عدم صلاحیت طبقه حاکمه و دستگاه آن است و گفت مسلم است که عمال فاسد دولت از کار بر کنار خواهند شدولی باید دانست که همه این اصلاحات منحصراً موقوف بر آن خواهد بود که یک دولتی بتواند اقتدارات قانونی حکومت مرکزی را بیطرفانه اعمال کند و متی کافی برسرکار بماند تا توفیق آنرا داشته باشد که به یکایک این اصلاحات بردازد والا امید نجات و فلاح مشکل خواهد بود. بنده مصمم شدم که در این موقع از قبول مسئولیت شانه خالی نکنم برای اینکه تصور میکنم که آقایان نمایندگان محترم بنا باطمینانی که به بیغرضی و بطرفی اینجانب دارند و بهمین جهة باینجانب اظهار تمایل فرمودند از دولت اینجانب یاوحدت کلمه ای که بالخاصه منتضی مصلحت کنونی ایران است پشتیبانی خواهند نمود و چون اینجانب اطمینان دارم که کلیه همکارانم نیز از جاده بیطرفی و بیغرضی منحرف نخواهند شد و بهمینجهة مسئولیت اعمال ایشان را نیز خودم بعهده میگیرم

وامیدوارم که نمایندگان محترم نقشه‌های اصلاحی این جانب را با اعتماد کامل و بتقویت تمام تلقی فرمایند و یقین دارم که بااین اقدام مجلس شورای ملی شالوده متینی برای ازدیاد روزافزون قدرت حکومت مرکزی ریخته خواهد شد و در سایه آن قدرت یکایک اصلاحاتی که مجلس و ملت در نظر دارند صورت خواهد گرفت ویقین دارم که نه تنها انجام هرگونه اصلاح داخلی بلکه تامین مصالح عالیه بین الملل ایران واحراز مقامی که مجلس و ملت برای مملکت ما در ردیف سایر ممالک عالم میخواهند موقوف باجرای همین اصل اساسی است و چنانچه مجلس شورای ملی برنامه دولت را تصویب فرمایند تمام مساعی اینجانب مصروف باین مقصود خواهد گردید و از آنجا که استظهار دولت در انجام وظایفی که بدان محول میشود فقط به مجلس شورای ملی است بدیهی است که هر اندازه بعده نمایندگان که دولت اینجانب را شایسته برای اعتماد خود بدانند افزوده شود بهمان نسبت بر توانائی دولت درانجام آمال وامیال ملت و نمایندگان ملت خواهد افزود.

پس از پایان نطق آقای حکیمی چند نفر از نمایندگان پیشنهاد کفایت مذاکرات دادند وسید محمد طباطبائی که یکی از پیشنهاددهندگان بود توضیحاتی مبنی بر لزوم کفایت مذاکرات و تعیین تکلیف قطعی دولت دادوطوسی بعنوان مخالف باپیشنهاد مزبور تذکراتی داده سپس بکفایت مذاکرات رای گرفتند و تصویب شد.

در اینموقع حکمت پیشنهاد کرد که طبق ماده ۹۲ نظامنامه بدولت رای گرفته شود و چون با این نظر مخالفی نبود بهمین طریق رفتار شد یعنی دو نفر از منشی ها پشت تریبون رفته یکی یکی نام نمایندگان را صدا کرده و آن نماینده پشت تریبون میآمد ورقه رای خود را تسلیم میکرد پس از اخذ آراء نتیجه بشرح زیر اعلام شد:

رای دهندگان	۹۵ نفر
برگ موافق	۲۵ رای
» مخالف	۷ »
» ممتنع	۶۳ »

در این موقع عده از نمایندگان درخواست کردند که اسامی رای دهندگان خوانده شود سپس نام موافقین بشرح آتی قرائت شد: فرخ، حاذقی، مخبر فرهمند دکتر آقایان، اردلان، دکتر معظمی، رضا حکمت، رضا تجدد، سرتیپزاده، شیخ الاسلام ملایری، آشتیانی، دهستانی تبادیان، بهبهانی، اعتمادالولیه، فرهودی مهندس بناهی، افخمی، هاشمی، فتوحی دکتر زنگنه، بیات، فیروزآبادی، امیر نصرت اسکندری و سید محمد صادق طباطبائی.

آنگاه نام مخالفین را هم که فقط از اعضای فراکسیون توده بودند خواندند

باین ترتیب دولت حکیمی که بدوا با اکثریت ٦٤ رای بدان ابراز اعتماد شده بود ولی اینک بیش از ۲۵ رای موافق نداشت سقوط کرد.

نیمساعت قبل ازظهر جلسه ختم و بصبح روز پنجشنبه موکول شد.

بحران سوریه

بقیه ازصفحه اول

منبع نفت جهان شود و نه تنها اروپا بلکه هندوستان و حتی قسمتی از قاره امریکا را از سیل نفت خویش سیراب سازد. وبدیهی است که دنیای صنعتی امروز چه عطشی نسبت بنفت دارد وچه اهمیت اقتصادی وسیاسی برای آن قائل است

دیگر آنکه خاور میانه نه تنها دوسر راه امپراطوری بریتانیا ومستعمرات آن قرار دارد بلکه نیم بزرگتر و حساس تر این راه درممالک خاورمیانه واقع است وهمین امر برای ذکر موقعیت حساس جهانی این ممالک و وابستگی شدید منافع امپراطوری بریتانیا بآن کافی است

یک توجه کوچک بعوامل بزرگ سیاسی که در خاور میانه ذینفع هستند برای توجیه حساسیت سیاسی این ناحیه کافی است از طرفی امپراطوری بریتانیا به دلائلی که قبلا ذکر شد زندگی خود را وابسته بنفوذ خویش در این ممالک میداند وبزرگترین استفادهٔ که انگلستان از پیروزی در نخستین جنگ بین الملل برد استقرار سلطه خویش براین نواحی ودر هم شکستن امپراطوری عثمانی بود و این سلطه را در تمام مدت میان دو جنگ حفظ کرد وبدون شک اکنون میل دارد با استفاده از پیروزی که دراین جنگ بدست آورده تکمیل و بدون رقیب بماند.

ازطرف دیگر امپراطوری فرانسه نیز از لحاظ اقتصادی و سوق الجیشی بخاورمیانه علاقه مند بوده و این علاقه وی ازهنگام پایان جنگ بین الملل اول و تجزیه امپراطوری عثمانی وتسلطوی بر سوریه و لبنان شروع گردیده و بدون شک فرانسه بهیچ عنوان حاضر نیست ازخاور میانه دست خود را کنار بکشد.

بالاخره در این اواخر ومخصوصا در هنگام جنگ جذبه اقتصادی نفت نظر محافل امپریالیست امریکا را بنحو خاصی بسوی خاور میانه جلب کرده است

اکنون که مشاهده میشود سه دولت بزرگ جهانی یعنی انگلیس امریکا و فرانسه در خاورمیانه منافع متضادی دارند با توجه باین مسئله که قسمتی از خاور میانه بامرزهای جنوبی شوروی مجاور است این حقیقت مسلم میگردد که مسئله خاورمیانه ازمهمترین ولاینحل ترین مسائل سیاسی کنونی دنیا است

علاوه بر عوامل فوق باید دو نکته دیگر را نیز در سیاست خاور میانه مورد توجه قرار داد: یکی نهضتهای استقلال طلبی توده های ملل خاورمیانه است که دارای سوابق تاریخی بیش از نیم قرن است و منشاء اصلی آنرا بایداز فشار امپریالیسم واستعمار دولت مستبد عثمانی و سپس کشورهای باختری دانست. کشورهای خاور میانه هنوز از ثمره مبارزات طولانی خود بر ضد امپراطوری عثمانی برخوردار نشده و هنوز از زیر فشار وحشیانه و قرون وسطائی او کمر راست نکرده بودند که طعمه امپریالیستهای باختری شدند و میدان یک سلسله مبارزات داخلی وخارجی گردیدند. کیست که از کشتارهائی که در فلسطین بعنوان نزاع عرب و یهودی باصورت آشکارتری وقوع یافت بی خبر باشد؟ کی ازرفتار شدید عمل امپریالیسم فرانسه در سوریه و لبنان قبل ازجنگ کنونی اطلاع ندارد؟ نهضت استقلال طلبی و آزادی توده های خاور میانه ازهنگام این جنگ شروع نشده و سوابق ممتدی دارد.

ولی آنچه که از موالید خاص این جنگ است سیاستهای استعماری است که مانع نهضتهای استقلال طلبی وملی و حتی نزادی بروی خویش زده و فعالیت شوم خودرا با حدت وشدت بیشتری ازسر گرفته اند. استعمار همیشه بصورت لعنت وعریان ظاهر نمیشود و این بت عیار هر لحظه بشکلی جلوه گری مینماید

ما نمیخواهیم راجع بماهیت اتحاد عرب وارد بحث سیاسی شویم وبتحلیل علل و عوامل موجده و نتایج حاصله آن بپردازیم ولی آنچه قطعی است مسئله وحدت ملل عرب و ملیت و حد آنها متکی بریک نظریه نژادی غلطی است که بیش از همه در اثر نفوذ سیاسی شوم دولتهای فاشیستی ایتالیا و آلمان در خاور میانه تقویت شده وازاین چشمه زهر آگین آب خورده است و مسلم است که میان ملتی که بزبان عربی متکلم است از لحاظ مرقعیت طبیعی و ملی وتاریخی وفرهنگی ودریائی اختلافاتی وجود دارد و هیچ آدم عاقلی نمیتواند اعراب متمدن لبنان و مردمان شهر نشین مصر را با اعراب بدوی نجد و حجاز و عراق همسنگ و از یک ملیت بداند.

اما برای فهم هدف و نتیجه‌ای که این فکر اتحاد عرب بدان منجر میشود یک نمونه تاریخی دردست داریم وآن دوره جنگ بین المللی اول است که نهضت اتحاد و آزادی اعراب به پیشوائی کلنل لورنس آغاز گردید و باستعمار فلسطین و عراق و سوریه منتج گردید.

اما راجع به این «وحدت دنیای عرب» که امروز زبانزد بعضی محافل سیاسی شده و بخصوص روزنامه تایمز در مقالهٔ اخیر خود خیالی در باره آن غلو کرده است چندی قبل روزنامه القدم مصر پرده از روی آن برداشت و حقیقت را اشکار نمود و نشان داد که این مسئله واکنش توسعه نهضتهای آزادیخواهی در ایران و سایر ممالک خاور میانه بوده و سنگری است که در پشت آن باید فقط عراق و ترعه سوئز حفظ گردد و در امان بماند

این بار نیز همه کس میداند که پشتیبان اصلی «وحدت دنیای عرب» امپراطوری بریتانیاست و چرچیل نخست وزیر انگلستان است. که با این سمود مذاکره محرمانه مینماید و مشکلات اساسی را از سر راه این موضوع بر میدارد.

ولی آیا این بار نتایجی غیر از اولین بار خواهد داشت؟

ناتمام

و ۲۰

بقیه از صفحه اول

جنوب انگلستان با بمب های و و دیگری تدارک هجوم به توکیو وسیله هواپیما های امریکائی که از روی کشتی های هواپیما بر برمیخاستند.

این دو واقعه که در تاریخ جنگ یکی تازه است، حقیقت وواقعیتی را که اهالی لندن درسال ۱۹٤۰ آموختند تائید میکند و این حقیقت عبارت از آنستکه انگلستان، از لحاظ نظامی، فاقد بسیاری ازخصایص وفوائد «جزیره بودن» گردیده است

رادیوی آلمان بآلمانیها نوید میدهد که از لندن ویرانه ای بیش نمانده است. هرچند این سخن حقیقت ندارد لیکن باید دانست که اگر نشانه گیری وسبب ها دقیقانه انجام بتواند یافت، هر سرزمینی را که بخواهند یکباره نابود توانند ساخت.

هیچ سلاح نوینی در آغاز کاملا دقیق نیست. وحتی اگر از بوتهٔ آزمایش رضایت بخش و دقیق بیرون آید، با اینهمه بندرت تواند بود که درجنگهای کنونی بهمان خوبی و دقت بکار رود یکی از موضوعات کارشهای علمی یافتن انگیزهٔ همین نکته ورفع نواقص و نقائص آنست.

اگر ما خلع سلاح را بطور کامل (یا تقریبا کامل) انجام نتوانیم داد آزمایش فشفشه های غول آسا درزمان صلح ادامه یافته وتا نیست سال دیگر بساخته شدن فشفشه‌هائی خواهد انجامید که میدان عمل ووزن آن سه برابر و عیب آن یکدهم فشفشه های کنونی خواهد بود.

اگر چنین امری صورت پذیرفت نتیجه آن چه خواهد بود؟ نتیجهٔ آن اینستکه بخوبی میتوان لندن وراز آنسوی برلین، دقیقانه، بمباران کرد.

نیروی هوائی وتوپخانه ضدهوائی بیکمان از اینکار جلوگیری نتواند کرد. در زمان کنونی قطعی ترین عمل متقابل حمله کردن به پایگاهها و خطوط ارتباطی آنهاست.

این وسیله برضد پایگاههائیکه درهلند قرار دارد، بکار میتوا ندرفت زیرا درخاک آب آلود آنجا استقرار کارهای زیرزمینی بس دشوار میباشد؛ لیکن برضد کوهساری میان تهی، مانند صخره جبل الطارق، چندان مفید نتواند بود.

براستی، جنگ با اتحاد جماهیر شوروی، در روز دار نسل آینده، با فرود آمدن صاعقه ای برلندن آغاز خواهد شد، صاعقه ایکه مارا بر آن میدارد تامگر بادیدگانی اندوه بار و حسرت آمیز بگذشته، بروزهای آرام مائیز ۱۹٤۰ بنگریم.

گمان نبرود که از انگلستان نقشه هارا، دقیقانه، بجائی دوردست مانند مسکو، پرتاب بتوان کرد و یا بوسیله آنها صنعت شوروی را فلج بتوان ساخت.

باآنکه ژاپن هنوز دارای نیروی هوائی قوی وناوگانی نیرومنداست، با اینهمه ناوگان امریکا بوسیله هواپیماهائی که با خود داشتند از فاصله ۳۰۰ میلی، توکیو را مورد حمله‌ای قطعی قرار دادند. امریکائیان حمله خود را در هوائی بس مناسب انجام دادند و حتی یک کشتی نیز از دستشان بیرون نرفت.

ما از این چه باید بفهمیم؟ باید بفهمیم که اگر، درروز گار نسل آینده با ممالک متحده بجنگ بر خیزیم، ناوگان امریکا، از دویست میلی کرانه‌های ما، گلاسکو را مورد حمله هوائی قرار میتوانند داد.

اگر قسمت عظیمی ازناوگان ما نیز دست نخورده و بی عیب باشد باز بخوبی امکان دارد که ازدورترین نقاط جنوب غربی «ایر» (نام رسمی ایرلند آزاد) بر لندن، بالاقل بریستول حمله هوائی برند.

این موضوع، حتی اگر اینمدت اصلاحات وترقیاتی در صنعت هواپیما و کشتی های هواپیما بر نداده باشد، ممکن تواند بود.

یکمان، مامورین وزارت امور خارجه که، تاریخ قرن ۱۸ و ۱۹ مطالعه کرده اند، هنوز نیز عبارات اصطلاحات «موازنه قدرت» رادر اندیشه پرورانند.

در قرن هیجدهم نتیجه این سیاست برای طبقه حاکمه انگلستان، جنگ پروس یاالطریش بافرانسه بود.

لیکن انگلستان بین فرانسه وآلمان گسترده نیست بلکه بین ممالک متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی واقع شده است؛ همانگونه که باریک میان فرانسه وآلمان قراردارد. و همچنین نمانده او در کناره گیری ازیک جنگ شوروی — امریکا، تقریبا نظیر نمانده بازیها در نبرد فرانسه، و آلمان، خواهد بود.

قلع حیاتی ما ایجاب میکند که نه تنها با متفقین بزرگ ما هموار روابط نیکو داشته باشیم، بلکه با تمامی قوا بکوشیم که آنها نیز دارای مناسبات نیکو بایکدیگر باشند.

***

برخی خوانندگان بهر کوته فکری در باره جنگ آینده اعتراض می کنند.

در ۱۹۳۲ هنگامیکه پیشنهاد کرد هرخانه ای تازه ساز باید دارای اطاق مخصوص کوچک و مستحکمی، برای پناه در مقابل هجوم هوائی، باشد از سوی «راست» و «چپ» بسختی مورد حمله قرار گرفتم.

بمن گفتند که «اتفاق ملی» اندیشه جنگ را نیز غیر ممکن ساخته است ومن، برای چنین فکری، باید از خود شرمسار باشم.

نظر من برخلاف اینست. پس از جنگ نوبت صلح فرا میرسد، وما بیک صلح استوار وقطعی نیازمندیم

پایه چنین صلحی در التا نهاده شده است. ومن خواهان استوار ماندن آن میباشم.

آدمی هرگز «فطرة» بدویا خوب نیست. فضائل یا عیوب او بستگی تام با توسعه و پیشرفت علم و صنعت دارد.

در یک جامعهٔ ابتدائی، تمامی اعضای یک قبیله برادر وار رفتار می کنند زیرا جامعه کامل است و نیازمندی احتیاجات خودرا بخوبی تامین میتواند کرد.

لیکن اشخاص اغلب نسبت بمردان و زنان دیگر قبائل وظایفی برای خود نمی شناسند و بدون اندک پشیمانی و دریغ آنانرا میکشند و حتی میخورند

تقسیم کار و تجارت کالا ها، اجتماعات را وسیع و وسیعتر میسازد لیکن در همان حال رشتهٔ برادری کمونیسم ابتدائی را ازهم می گسلد.

پیشرفت علم «سوسیالیسم» را سیستمی شایسته تر، مساعد تر و کاملتر از کاپیتالیسم، فئودالیسم یا بردگی ساخته و نیز جنگ را بیش از پیش، بویژه برای کشور ما، مهلک گردانیده است.

قسمت اعظم ملت این حقایق را دریافته است و از اینرو بیش از پیش حکومت های مارا مجبور خواهد ساخت که در راه اجرای «سیاست صلح استوار و مثبتی» که پایه آن در التا نهاده شده است از هیچ گونه کوششی فرو نگذارند.

پایان

آگهی حصر وراثت نوبت سوم

بنا بدرخواست شماره ۰۸ - ۲۳ حسینی علی فرزندگن گدار شهرت گنگه‌ارزاده بشناسنامه شماره ۳٦۲٦ آبادان در تاریخ ۱۷ ر۱۲ر۳۱۷ در آبادان محل اقامت دائمی خودفوت نموده وورات اوحین الفوت عبارت از (۱) بانو فاطمه دختر کریم بشناسنامه شماره ۳٦۲۷۰ آبادان عیال متوفی (۲) بانو معصومه بشناسنامه شماره ٦۵۰۹ آبادان (۳) عیسی بشناسنامهٔ شماره ۳۰۳۹۳۰ آبادان فرزندان متوفی بوده‌اند اینک پس از استماع گواهی گواهان مراتب سه بار ماهی یک‌مرتبه در روزنامه رسمی و روزنامه رهبر آگهی میشود تا هرکس اعتراضی دارد ظرف سه‌ماه از تاریخ نشراولین آگهی بدادگاه تقدیم والا پس از انقضاء موعدمقرر بوصیتنامه ابرازی (جز سری ورسمی) ترتیب اثر داده نخواهد شد.

رئیس دادگاه بخش آبادان

ش آ - ۹ — ۳ - ۳

آگهی حصر وراثت

بنا بدرخواست شماره ۷۸ — ۲۳ حسینی گوهری شهرت گوهر فرزند حسین بشناسنامه شماره ٦۱۳۹۰ آبادان در تاریخ دهم آذر ماه ۱۳۲۳ در آبادان محل اقامت دائمی خود فوت نموده و وارث او حین الفوت ابراهیم گوهر فرزند قنبرعلی دارنده شناسنامه ٦۱٤۳ آبادان پسر متوفاة بوده‌است اینک پس از استماع گواهی گواهان مراتب سه بار ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی کشور و روزنامه رهبر آگهی میشود تا هر کس اعتراضی دارد ظرف سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم و الا پس از انقضاء موعد مقرر بوصیتنامه ابرازی «جز سری و رسمی» ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ش ۱۱ — ۳-۳ — رئیس دادگاه بخش آبادان

سوسیالیزم

بها ده ریال «بنگاه آذر» خیابان سعدی

ش آ — ۸۸ — ۲ — ۳

کاپیتال (سرمایه)

تالیف مارکس ترجمه م. توانی

کتابیکه دنیا را تکان داده وموافق ومخالف باید آنرا بخوانند منتشر شد.

بها ۵۰ ریال

۵ ۲

چاپخانه توده ایران

سفارشات را در اسرع وقت انجام میدهد

خلاصه خبرهای جهان «آژانس پارس»

دولت شوروی طرفدار ترک مخاصمه در سوریه و مذاکرات صلح آمیز است ـ مسئله سوریه ولبنان بزودی دربین سه دولت بزرگ مذاکره خواهدشد ـ مسائل آلمان واطریش درحال تصفیه است ـ دولت شوروی کاملا بر تصمیمات بالتا پایدار است ـ مسئله تریست هنوز حل نشده.

اوضاع سوریه و لبنان

اداره اطلاعات کمیساریای امور خارجه شوروی درباره نزاع دولت فرانسه وسوریه ولبنان دیروز اعلامیه‌ای بشرح زیر صادر کرد:

مشاجره فرانسه و سوریه ولبنان جنبه نزاع مسلحانه بخود گرفته است دولت اتحاد جماهیر شوروی برای دولت فرانسه و همچنین دولت‌های انگلیس وامریکا وچین اعلامیه ویژه‌ای فرستاده و چنین اظهار داشته است که برطبق اطلاعات واصله در سوریه ولبنان عملیات نظامی بوقوع پیوسته و سپاهیان فرانسه که درآندو کشور هستند با اهالی سوریه ولبنان بمبارزه پرداخته و همچنین بطوریکه خبر میدهند در اثنای این عملیات توپخانه و خمپاره انداز و نیروی هوائی فرانسه بشهر دمشق حمله برده است.

در برخی شهرهای دیگرهم زد وخوردهای مسلحانه روی داد وتعداد کشتگان وزخمیها هرروز افزایش می‌یابد. مسئله از این لحاظ که هم دولت فرانسه و سوریه و لبنان جزو ملل متفق هستند وفعلا در انجمن سان‌فرانسیسکو شرکت دارند دشوار میگردد.

سپس اعلامیه شوروی اشعار میدارد که وقایع سوریه ولبنان باروح تصمیمات دمبارتن اوکس ومنظورهای ملل متفق در انجمن سان‌فرانسیسکو در راه ایجاد سازمانی که صلح و امنیت ملل‌را تامین کند هم آهنگی ندارد

نظر بدلائل فوق‌الذکر دولت اتحاد جماهیر شوروی خاطر نشان میسازد که باید اقدامات فوری بمنظور پایان دادن عملیات نظامی در سوریه و لبنان بعمل آید و ازطریق دوستانه و مسالمت‌آمیز مسائل مورد اختلاف فیصل پذیرد.

دولت اتحاد جماهیر شوروی این پیشنهاد را به‌دولت موقتی فرانسه و دولتهای انگلیس و امریکا وچین که در تاسیس یک‌سازمان صلح و امنیت بین‌المللی پس از جنگ پیش‌قدم میباشند کرده است

***

لندن ـ سیلون ماتووت دبیر مسائل دیپلماسی خبرگزاری انگلیس امروز چنین مینگارد که درباره اوضاع سوریه مذاکرات لازم بین سه دولت بزرگ متفق صورت خواهد گرفت چنانکه ایدن وزیر امور خارجه انگلستان اخیراً در مجلس عوام انگلستان آنرا پیش‌بینی نمود.

هرآینه مذاکرات درجریان باشد در اینصورت دول ذی‌نفع باید مهارت فوق‌العاده بکاربرند تا دراسرع اوقات اوضاع وخامت بار سوریه و لبنان پایان پذیرد.

درخواست دولت سوریه و لبنان همچنین اتحاد اعراب آنستکه قوای نظامی و قوه سیاسی فرانسه ازاین دو کشور رخت برگیرد وتاکنون دولت های سوریه و لبنان‌هیچیک زیربار درخواست دولت فرانسه مبنی بر واگذاری پایگاههای هوائی و دریائی بآنکشور نرفته‌اند زیرا قبول آنرا مخالف اصل حاکمیت خودمیدانند.

هر گاه مذاکرات سه‌جانبه که‌ازطرف‌ایدن‌پیشنهاد شده درجریان باشد و هر آینه مذاکرات منتج به‌خروج حقیقی‌فرانسه از آنکشور گردد آنوقت اوضاع لبنان وسوریه چگونه‌خواهدبود؟

چرچیل نخست وزیر و ایدن وزیر امور خارجه انگلیس درباره‌خروج نیروهای انگلیس از خاک آندو کشور گفتگو نموده و بعض اینکه در باره این نزاع‌سازش وتوافقی حاصل‌شود بدین‌کار مبادرت خواهندنمود.

هنگامیکه استقلال سوریه ولبنان و حاکمیت آن دو کشور که تنها منظور آنان میباشدبرسمیت شناخته شود آنوقت آندو کشور مزبوردربرابر عمل انجام یافته قرار خواهند گرفت.

ازطرف دیگر احتمال قوی‌میرود که استقلال کامل نظامی و سیاسی سوریه‌ولبنان سبب تحریک دولتهای دیگراتحاد عرب گردد وآندولتها نیز بکوشند تا ازهمان مزایا بهره‌مند گردند.

در حقیقت دولت های فلسطین و عراق هم که از بعد از جنگ بین الدول گذشته تحت قیمومیت انگلستان‌بسر میبرند و قیمومیت آنان‌کاملا نظیر قیمومیت سوریه و لبنان است هرگز حاضر نخواهند شد که ازسوریه ولبنان عقب بمانند و کمترین نظارت نظامی‌دولت بیگانه رانخواهندپذیرفت بنابر این بایداین وضعیت‌را درتنظیم مسائل بعداز جنگ جهان‌اعراب وبحران فعلی سوریه ولبنان درنظر گرفت.

درآلمان‌واتریش

لندن ـ بنظر میرسد در باره تعیین حدود نواحی اشغال شده متفقین در خاک آلمان و اتریش و ایجاد کمیسیون نظارت متفقین برای اداره امور آن دو کشور پیشرفت های حقیقی و محسوسی حاصل شده باشد هنوز معلوم نیست که‌این تصمیم‌بر اثرمذاکرات مستقیم هاری‌هوپکینز نماینده ترومن در مسکو اتخاذ شده است یا نه؟ ولی در هر صورت از مسکو اعلام گردیده که ژنرال ایزن هاور و مارشال ژوکوف و مارشال مونتگمری با یکدیگر ملاقات کرده اند و تعیین حدود منطقه اشغالی انگلیس در خاک آلمان اوضاعی را که از چندی پیش مبهم میباشد روشن خواهد کرد.

احتمال میرود که انجمن روسای کمیسیون نظارت متفقین در برلن تشکیل شود.

در اتریش عملیات بدین سرعت صورت نگرفته است معهذا امروز درلندن رسما تایید شد که کمیسیون نظارت انگلیس‌وارد وین گردیده‌است

چنانکه ایدن وزیر امور خارجه انگلستان در اغاز هفته اشعار داشت هیچ‌عاملی نمیتواندروش دولتهای باختری راکه دولت رنر را برسمیت نمی شناسند تغییر دهد مگرآنکه نمایندگان‌این‌دولتها دروین بمانند و بفوریت مسئله مزبور را بررسی کنند.

در یوگوسلاوی

لندن ـ آخرین پیشنهادمتفقین بدولت یوگوسلاوی در باره حل کلیه مسائل مهم نظامی و اداری تا زمانیکه حکومت نظامی در تریست و ونسی ژولیت بر قرار است تهیه و تنظیم گردیده، وبمارشال تیتو وکابینه‌اش مخابره خواهد شد.

تا خبر این‌اقدام ناشی از موافقت و مشاورت واشنگتن و لندن میباشد

جبران غرامات

بقیه‌ازصفحه۱

درسی است که‌نمیتوان فراموش نمود.

منافع تجارت دنیا رادلیل‌آوردن فقط دلیلی است ظاهراً مقرون حقیقت وحقانیت. زیراکه انهدام‌قدرت‌اقتصادی ونظامی‌آلمان بهیچوجه‌منشیش‌این‌نیست که اقتصاد آلمان‌منحل گردد وبالنتیجه شرکت او در تجارت دنیا‌ازبین‌برود

آنچه باعث کاهش سهم‌آلمان در تجارت دنیامیگشت، تمایل‌خودمختاری اقتصادی بودـ تمایلی که‌با آماده کردن اقتصاد برای‌جنگ عملی شد.

از بین بردن این تمایل و انحلال رهبری توسعه‌اقتصادی بر اساس نظامی گری که لازمه آنست منجر بایجاد خواهد شد که‌آلمان‌درمقابل‌باز رجهان بمراتب بیش از گذشته تابعیت داشته باشد، گرچه در نتیجه جبران غرامات بجنس و بوسیله کار، سطح کلی‌تولید در آلمان پائین بیاید. لیکن از طرف‌دیگر نباید‌فراموش‌نمود که‌توانائی صنعتی کشورهائی که از تعرض‌آلمانی ها صدمه دیده‌اند واز آلمان غرامت میگیرند اگر بیشتر از آلمان نشود لااقل بهمان اندازه افزوده خواهدشد حال که این طور است اقامه‌این‌دلیل که جبران خسارات بوسیله کارسبب‌می شود که آلمان فقیر شده بازاردنیا را ترک بگوید فقط مترسکی است زادهٔ تخیلات بعضی از محافل شدید العلاقه ببازار آلمان.

سایر مخالفین جبران غرامات بوسیله کار، عموماایراداتی که کم‌و بیش صریح باشد ندارند. باستعمال اصطلاحات «وحشت آوری» ازقبیل «اعمال شاقه»، «بردگی» وغیره بر علیه جبران بوسیله کار اکتفا میکنند فقط وفقط برای اینکه این غرامات بآلمان تحمیل شده است.

مثلا (فون ویگاند)مخبر معروف (هیرست) در مادرید اطمینان میدهد که استفاده از کارگران آلمانی جهت عملیات ترمیم معنیش این است که «امریکا وانگلستان به استقرار مجدد بردگی در اروپا صحه میگذارند.» این شخص به (شوستر)مدیر(هنتر کالج) نیویورک متکی است که در«تحادیه جهت مسائل سیاست خارجی» اظهار داشته است که جبران بوسیله کار با «انقیاد» برابر میباشد.

کلماتی مانند «بردگی» و «انقیاد» باین موضوع چسبانیدن البته یکی از آسانترین کارهای فکری‌است که معلومات میخواهدونه هوش.لیکن در عوض، نیروی‌آتباتش باصفرمساوی است.

در واقع میتوان باهمان‌سهولت و یقین، جبران نقدی راهم «غارتگری» واز بین بردن جنبه نظامی‌صنایع آلمان را نیز «خرابی» وغیره نامید.

اما آیا این حرف بهیچوجه به منطق آدمخواران نازی مربوط‌نیست که معتقدند ارتکاب هر جنایتی بر ایشان جائز است وآنها رامسئول آن‌جنایات دانستن‌ظلم وجور میباشد؟

البته نیروی بمنطق این راهزنان هیتلری خاتمه داده خواهد شد.

شکست وتسلیم بلافید وشرط آلمان نشان خواهد داد حق وقانون که بنام آنها ارتشهای متفق جنگ کرده اند کلمات توخالی و ادعیه زاهدانه نیست بلکه‌واقعیتهای سیاسی ونظامی است که بایدپیروزی عدالت وهمچنین امنیت ملل‌را درمقابل تعرض جدیدی‌از طرف آلمان تامین کند. «ملت آقایا» ازستاد ارتش کل خود محروم خواهد گشت، ناچار خواهد شد که ارتشش را مرخص، صنایع خود را بی‌تجهیز، خسارات وارده‌را جبران نماید وآنچه راکه با آن‌حالت سرسام منهدم کرده است ازنو بسازد.

روزنامه فاشیستی آلمانی که بنام (دوبچه تایتونگ این نوروگ) در نروژ منتشر میشود درموقع صحبت از جبران غرامات، بوسیله کار غزل خوانی رقت‌آوری میکند:

«اگر سرباز آلمانی ازشش‌سال باینطرف‌اززن وبچه‌اش جدا شده ودر رشته تخصص خود کار نمی نماید ابدا برای این نیست که‌دراثر یک تسلیم لائیدوشرط‌از متفقین، این‌حق‌رادریافت دارد که بازهم‌ده‌سال یا تاآخر عمرش از زن وبچه خود جدا بماند ودررشته تخصص خویش کار نکند.»

البته،راهزنان آلمانی «برای‌این» جنگ نکرده‌اند. اما اگر ملل متفق‌هم آنچه قربانی داده اند ابدا برای این نیست که جنایات باور نکردنی هیتلریها بی‌مجازات بماند بدیهی است که‌آلمان از نتیجه جنگ و از مسئولیت عواقب انهدامکاری خود راضی نیست بآسانی درک میگردد.

مدافعین آلمان متجاوز که‌وابسته بعضی ازمحافل خارجی میباشند مشوش اند. اینهم بآسانی درک میگردد

اما دیگر از هیچکدامشان کاری ساخته‌نیست. خرابه‌های اروپا تاسرحد امکان بخرج آلمان وتااندازه‌شایانی بدست آلمانیها ساخته خواهد شد.

پایان

ارژانتین پناهگاه نازیها

مکزیکو ـ طبق خبری که اخیرا از (مونته ویدئو) به مکزیکو رسیده سه نفر از نازیهای معروف که یکی از آنها معاون عمده (روبرت بی) رئیس جبهه کار آلمان میباشد وارد بوئنوس ایرس شده‌اند و فورا با (کنت کارل فن لوگزبورگ) که رئیس شعبه جاسوسی آلمان در امریکای مرکزی میباشد تماس حاصل کرده‌اند.

مرکز ستاد این جاسوسی در ارژانتین میباشد. نیز خبر رسیده که بیست وشش تن هیتلری به ارژانتین پناه برده‌اند و اکنون هیتلریهای بسیاری درآنجا میباشد.

بموجب اخبار دیگری یکی از ژنرالهای دموکرات‌ارژانتین موسوم به ژنرل کارلدبه گاه اینکه نظر دولت رابه مسئله‌تمرکز نازیها در ایالات ارژانتین جلب نموده است بر حسب‌امرسرهنگ پرون معاون رئیس جمهور ارژانتین دستگیر گردیده است.

دکتر رضا بصیر

دارای دیپلم و نشان علمی ازدانشگاههای وین و پاریس
متخصص بیماریهای بانوان-مجاری ادرار-سفلیس-سوزاک
پیرمردان-درمان بابرق ۳ تا ۹ عصر نزدیک چهار راه سید علی
ش آ ـ ۲۴ ۱۱ـ۳۰

درسان فرانسیسکو

سان‌فرانسیسکو-امتناع دولت شوروی از دادن امتیازو لودولتهای کوچک در باره حق رای موجبات‌تعجب‌سفیر کبیر انگلیس درآمریکا و وزیر امور خارجه‌آمریکا وچین و فرانسه را فراهم‌ساخته و بگانه احتمالی هم که وجود داشت برای آنکه کارهای انجمن از مرحله‌کنونی بدر آید از میان رفت.

امتناع دولت اتحاد جماهیر شوروی در باره مسئله حق رای یکی از بزرگترین ناکامیهای بیشتر نمایندگان ملل متفق بشمار میرود.

اخبار کشور

برای تقدیم استوار نامه

بر حسب وقتی که تعیین‌شده‌است پیش ازظهرروزسه شنبه پانزدهم‌خرداد ماه جاری آقای مری سفیر کبیر جدید امریکا برای تسلیم استوار نامه خود در کاخ گلستان بحضور شاه خواهند رسید.

بافتخار آقای سفیر کبیر آمریکا

بافتخار آقای مری سفیر کبیر دولت امریکا درتهران که اخیراً بتهران وارد شده اند امروز در کاخ وزارت امور خارجه ضیافتی داده خواهد شد در این‌ضیافت عده‌ای نیزحضور خواهند یافت.

ترانه صلح

امروز از ساعت ۸ ونیم الی ۹ بعد از ظهر ترانه صلح و آخرین عشق من از ساخته های‌آقای شب پره توسط خانم روح‌بخش بهمراهی ارکستر آقای وفادار در رادیو اجرا خواهدشد

درخانه فرهنگ

روز چهار شنبه ۱۶ خرداد ساعت ۱۸ در خانه فرهنگ شوروی آقای مسعودانصاری راجع به‌بلینسکی سخنرانی خواهند کردودرپایان سخنرانی یک‌حلقه فیلم نمایش داده میشود ورود برای همه آزاد است.

ساعات‌کار سازمان اقتصادی

از دیروز ساعات کار سازمان اقتصادی و اداره کل پخش فرآورده‌ها تامه آن از هفت صبح تا یکساعت بعد ازظهر تعیین شده‌است.

ورود بقزوین

آقای شیخ لاسلام‌قفقاز باتفاق‌دو نفر ازروحانیون دیگرساعت ۵ ونیم بعد ازظهرپریروز باآخرامات‌کامل‌بقزوین وارد و پریشب‌راتوقف نموده اند

آزادی بازداشت شدگان

دیروز بعد ازظهر ۱۸ نفر دیگر از بازداشت شدگان باموافقت قبلی متفقین و برطبق حکم نخست‌وزیری و وزارت خارجه آزاد شده واسامی آنها بشرح زیر است:

سرتیپ کوپال ـ جوادبوشهری ـ سرهنگ صادق فروهر ـ سرهنگ باتماقلیچ ـ سرهنگ ابطحی ـ سرهنگ منوچهری ـ سرهنگ اخگر ـ سرهنگ زنده‌دل ـ امیر شرفی بدر ـ اسمعیل اشرف ـ حسین کیهانی ـ مهندس قاسم‌زاده ـ غلامحسین قره‌گزلو ـ حسن قره‌گزلو ـ عبدالصمد فقیه ـ سرگرد نبی الله همایون ـ وبکتور کاساکوفسکی ـ خاچیک‌مکونیان

و ازقرار معلوم ۱۸ نفر دیگراز بازداشت‌شدگان نیز همین دو روزه آزاد خواهند شد.

آگهی حصر وراثت نوبت سوم

بنا بدرخواست شماره ۲۳/۰۶ حسین فتاح محمودی بهبهانی فرزند محمود بشناسنامه شماره ۳۶۷۲ آبادان در تاریخ ۱۹ ، ۱۰ ، ۳۳ در آبادان محل اقامت دائمی خودفوت‌نموده ووارث او حین الفوت عبارت‌از (۱) بانو نوبر محمودی‌بهبهانی دارنده شناسنامه ۳۶۷۵ آبادان فرزندمتوفی (۲) بانو زرو شهرت رستمی دختر امامقلی بشناسنامه ۱۱۱ شادکان عیال‌متوفی بوده اند اینک پس از استماع دواهی گواهان مراتب سه بار ماهی‌یکمرتبه در روزنامه رسمی کشور و روزنامه رهبر آگهی میشودتا هرکس‌اعتراضی دارد ظرف سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم والا پس از انقضاء موعد مقرربوصیتنامه ابرازی (جز سری و رسمی) ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ش آ ـ ۸۲ ۳ـ۳ رئیس دادگاه بخش آبادان

آگهی حصر وراثت نوبت سوم

بنا بدرخواست شماره ۵۳ـ۲۳ حسبی لفته فرزند حسن بشناسنامه شماره ۴۲۷۴ جزیره صلبوخ آبادان درتاریخ ۴ر۱ر۲۳ در آبادان محل اقامت دائمی خود فوت نموده ووارث او حین‌الفوت عبارت‌از ۱ ـ بانو فاطمه عیال متوفی ۲ ـ یحیی ۳ ـ زینب ۴ ـ زهرا ۵ ـ حسنه‌فرزندان متوفی بوده اند اینک‌پس‌ازاستماع گواهی گواهان‌مراتب۳بارماهی‌یکمرتبه‌در روز نامه رسمی کشور و روزنامه رهبر آگهی میشود تا هرکس اعتراضی دارد ظرف ۳ ماه از تاریخ نشر اولین آگهی بداد گاه تقدیم والا با انقضاء موعد مقرر بوصیت نامه ابرازی «جز سری و رسمی» ترتیب اثر داده نخواهد شد.

رئیس داد گاه بخش آبادان
ش آ ـ ۱۰ ۳ـ۳
شماره ۸۹۰
۲۹ / ۱۲ / ۲۳

آگهی حصروراثت نوبت سوم

بنا بدرخواست شماره ۴۸ / ۲۳ حسبی حیدرفرزند محمد علی‌شهرت زمزم بشناسنامه شماره ۱۱۱۳ آبادان در تاریخ ۲۳/۳/۱۳ در خسرو آباد آبادان فوت نموده و وارث‌او حین‌الفوت عبارت از ۱ ـ بانوقمردختر شهباز بشناسنامه ۱۱۱۲ آبادان عیال متوفی ۲ ـ الله‌کرم بشناسنامه ۲۸ آبادان ۳ ـ بمونجان بشناسنامه ۴۱۲۲ ـ سلطان بشناسنامه ۲۸۴ آبادان ۵ ـ اسمعیل بشناسنامه ۸۳ آبادان ۶ ـ ابراهیم بشناسنامه ۶۸ آبادان ۷ خلیل بشناسنامه ۴۸ آبادان ۸ ـ کبری بشناسنامه ۴۵۵ آبادان فرزندان متوفی بوده اند. اینک‌پس از استماع گواهی گواهان مراتب‌سه نوبت ماهی یکمرتبه در روز نامه رسمی کشورو روزنامه رهبرآگهی میشود تاهرکس اعتراضی دارد ظرف سه‌ماه ازتاریخ نشراولین آگهی بدادگاه تقدیم والا پس از انقضاء موعد مقرر بوصیتنامه ابرازی «جز سری ورسمی» ترتیب اثر داده نخواهد شد.

رئیس داد گاه بخش آبادان
ش آ ۸ ۳ـ۳

دعوت

روزهای پنج‌شنبه از ساعت شش‌ونیم بعدازظهر ازطرف تشکیلات حزب وشورای متحده در کلوب اکبرآباد کنفرانس هفتگی تشکیل میشود ازبسام رفقای حزبی وکار دران برای حضور درکنفرانس دعوت‌میشود

۴ـ۵

رهبر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
ایرج اسکندری

تک شماره دو ریال

بهای اشتراک
سالیانه ... ریال
ششماهه « ۱۰۰
سه ماهه « ۱۰۰

این روزنامه عضو جبهه آزادی است

برعلیه هرگونه استعمار کشور ایران مبارزه کنید

کارگران . دهقانان . روشن فکران پیشه وران . برعلیه ارتجاع متحد شوید

۲۳ جمادی الاخر — شماره تلفن ۴۸۵۳ — ۴ ژوئن ۱۹۴۵

ناطق اکثریت

بقیه از صفحه اول

است بسیاست خارجی ایران ... در زمان رضاخان » بدون شك اگر رضاخان زنده بود خجالت میکشید چنین ادعائی بکند ولی مدافعین رژیم رضاخان با کمال بی شرمی و بر خلاف عقیده ای که عموم بر آنند سعی میکنند سیاست رضاخان را صحیح جلوه دهند . اینك ملت ایران از این اظهارات فرعودی که نماینده اکثریت مجلس و طبقه حاکمه تبهکار است اخذ سند کرده و قضاوت می نماید که طبقه حاکمه نسبت باتحاد جماهیر شوروی همان سیاست رضاخانی را تعقیب مینماید و در روابط خود باشوروی میخواهد همان «صفا، صمیمیت واعتمادی ! » که بین حکومت رضا خان ودولت شوروی بود ایجاد کند . آیا «ارادت و اعتماد نماینده اکثریت بشخص آقای حکیم‌الملك »هم مانند ارادت و اعتماد اکثریت برضا خان و ساعد برای ایجاد همان «صفا و صمیمیت و اعتماد !» با شوروی است ؟ جریان وقایع این قضیه را روشن خواهد کرد . طبقه حاکمه و ناطق او بدانند که سیاست خارجی رضاخان که شیپور رسوائی آنرا حتی بوسیله رادیو لندن بر سر بازار های جهان زدند از طرف ملت ایران که هوا خواه آزادی واستقلال خود بوده واز بردگی خویش واستعمار کشور بدست خارجیان متنفر است بطور قطع و برای همیشه طرد و رد شده است و بهیچ قیمتی اجازه نخواهد داد بااستقرار مجدد سیاست رضاخانی کشور را عش داشك و در بسته تحویل اربابان خارجی دهند واز دفاع و طرفداری اکثریت از رژیم رضاخان کمال بیزاری و نفرت را دارد! نماینده اکثریت برای خنثی نمودن تاثیر بیانات منطقی و دوستانه کامبخش نسبت بارتش که خصوصا در میان افسران جوان شور وشعفی ایجاد کرد بیك سلسله جملات توخالی وخشك متوسل شد که بیش از پیش جامعه ارتش را به اکثریت بدبین نمود. او در مقابل اظهارات کامبخش که درد های افسران و سربازان را از زبان آنها بیان کرد و معایب و مفاسد دستگاه کنونی ارتش راکه مربوط بطبقه حاکمه وژنرالها و مارشالهای پوسیده ارتش میباشد تشریح نمود وراه اصلاحات راگفت تنهاچند جمله قالب زده وپیروحاکی از عشق مصنوعی اقلیت حاکمه بنام مجلس تحویل داد ، نماینده اکثریت خیال میکند که تنها با جملات فریبنده توخالی میشود افسران بیدار وسربازان زحمتکش را فریفت. سرباز وافسری که منتظرید جان خودرا در راه منافع شما فدا نماید ، باید زندگانیش را تامین کرد تنك است برای شما طبقه حاکمه مفتخور که افسر ارتش پس از سالها زحمت وجانفشانی با داشتن چندین سر عائله امروز در یك اطاق ،فقط در یك اطاق اجارهٔ روی حصیر زندگی کند و برای تهیه غذای اطفال خود تیمه هرماه مجبور بقرض شود واز شدت استیصال قصد انتحار کند،سرباز وافسر شکم دارند، عائله دارند، احتیاجات گوناگون دارند، شکم آنهارا سیر کنید، لباسشان رافراهم نمائید وحوائجشان را تامین سازید آنوقت منتظر فداکاری آنها باشید ،تنها پیام درد آنها را دوا میکنند، آنها باین عوام فریبی شما میخندند. اگرراست میگوئید چرابا تامین زندگی آنهاموافقت نمیکنید چرا با اضافه حقوق آنها مخالفت نمودید چرا مکررا میخواستید ارتش را منحل نمائید وقشون داوطلب بگیرید؟ چراهر روز بعنوانی فشار بیشتری بآنها وارد میسازید ارتش ایران افسران شرافتمند وسربازان بردبار ونجیب دیگر بیدار شده‌اند آنهاحقایق را تشخیص میدهند ،آنها میدانند که این جملات توخالی برای آنست که بار دیگر مانند شهریور آنها را بقربانگاه مطامع واغراض خودتان سوق دهید ودر راه منافع خویش قربانی سازید ، آنها با وجود فقر و سختی هم آماده اند که از منافع ملت حقیقی ایران و شرافت کشور دوش بدوش طبقات زحمتکش و ستمدیده دفاع کنند ولی بدانید که خود را قربانی شهوات و منافع و مقاصد مرموز! شما نخواهند کرد .

عجب تر از همه اینکه فرموده‌اید : « طبقه زارع در ایران دارای مهمترین مقام اجتماعی است» . سال وماه در گرما و سرما جان کندن و تمام سال نیم سیر خوابیدن بقول شما هشتاد درصد احتیاجات جامعه را فراهم کردن و خود بهمه چیز محتاج بودن ، زیر ظلم وفشار ارباب وشلاق مباشر دست و بازدن ، از تعدی مامور امنیه و مالیه بجان آمدن از تمام طبقات مظلوم‌تر ، حقیرتر وعقب مانده تربودن اینست مقام مهم اجتماعی ! تنك براین سفسطه! زارع ایرانی که جان، مال و ناموسش هردم در معرض تطاول اربابست ، زارعی که درزیر لگد مباشر وشلاق امنیه جان میدهد، زارعی که درطویله ارباب افسار باو میزنند وکند و زنجیرش میکنند ، زارعی که اختیار هیچ چیز و آزادی هیچ کار را ندارد و مانند غلامان عهد عتیق محکوم مطلق ملاك بی انصافست آیا برده نیست؟ بله برده‌نیست زیرا نام برده براو نمی نهند ولی اگر دارا بودن این شرایط را بردگی مینامند زارع دهقان ایرانی نیز ناچار برده میباشد . بله برده‌ارباب. مسلم است که شما نمیتوانید این حقایق را تصدیق کنید زیرا شما مدافع صاحبان برده هستید ، مدافع فئودالها و ملاکین میباشید و با تکذیب وضع رقت بار و شرایط برده مانند دهقان می خواهید همچنان وضع اجتماعی کنونی او را تحکیم کرده باستثمار غلامان خود که بقول شما ۱۳ ملیون مردم ایران را تشکیل میدهند ادامه دهید . نسبت بردگی بکشاورزان دادن برخلاف گفتار شما «وسیله تجدید تجاوز» نخواهد شد بلکه حقیقت برد نی کشاورز را برو نیاوردن و ندیده انگاشتن موجب ادامه تجاوز خواهد بود .

نسبت برده بکشاورزان دادن یعنی حقیقتی را بیان کردن زشت نیست زشت عمل شما طبقه حاکمه است که بازارهمین مانند بردگان رفتار کرده وآنها را از کلیه حقوق مردمان آزاد عملا محروم نموده‌اید .

وقتی علنا در مجلس عوامل پنجگانه زمین، آب، کاو، بذر، کاررا که پوسیده ترین اصول حقوقی کشاورزی است بعنوان اساس حقوقی محکم معرفی کرده و کاو را برابر دهقان مینهید و اینگونه رابطه مالك ودهقان رامبتنی بر اصول صحیح میشمارید آنوقت است که « اساس حقوقی محکم » شما قیافه وحشتناك « اساس حقوقی بردگی » خود را آشکار میسازد ! وقتی جناب عالی لطف فرموده و بسر دهقانان منت گذاشته و پیشنهاد میفرمائید که سهم زارع دو سهم ازشش سهم شود ، دوسهم از دهقانی که جانفشانی میکند و محصول بعمل میآورد و چهار سهم از مالکی که کار نمیکند و

(۲)

بیانیه تشکیلات زنان

مردان ایران !

امروز دنیا شاید از کابوس وحشتناك جنك خلاص شده باشد
امروز هنوز خاك میدانهای بی انتها از خون جوانان باشهامت خشك نشده
امروز هنوز ازخرابه ها وویرانه ها دود وآتش بلند است
اما امروز مردم دنیا برآن شدند که از میان خاکستر مشعل فروزان را بر افرازند
امروز برآن شدند که در روی کشتارگاههای نوین دنیارا برپا کنند
امروز مادران داغدیده دلشکسته درصف اول قرار گرفته وسنگهای اول بنای اجتماع را آنها میگذارند
امروز مادران وزنان مصمم شده اند که جوانانشان برای هوس مفتخواران « گوشت دم توپ نشوند »
امروز زنان زجر کشیده ،حبس دیده بنام زنانیکه در سراسر دنیا قربانی شده اند بپا ایستاده اند و حق خودرا که با خون خودشان رنگین شده میگیرند
امروز اگر مملکتی،ملتی ادعای تمدن بکند، ادعای زنده بودن داشته باشد فریاد میزند درصف اول زن ، رای زن ، اعتماد زن ، رای زن
امروز مملکت ما هم بعداز سالها که من غیر مستقیم ومستقیم ازآتش دنیا گیر جنك صدمه دیده اند نشه برای آینده میکشد
امروز ملت ایران هم باید بدنیانشان دهد که زنده است و محتاج بقیم نیست
مردان ایران ! چشم باز کنید.

نامردانی که میخواهند مقاصد شوم خودرا بموقع اجرا بگذارند آن نامردانی که بنام ملت ومملکت هرایسان وفکری را برای استفاده مادی وآنی دستخوش خود قرار میدهند این مردمی که تنها نامی از مردمی دارند بنام آزادی چادر بسرزن ایرانی میکنند بنام مذهب مذهبی که علم را برهر کس چه زن وچه مرد واجب دانسته درب مدارس دختران را میبندند بنام آزادی دختران بی چادررا حتی در تهران هم سنگسار میکنند بنام مذهب روز بروز از تعداد دختران محصل کم میکنند و دولت ووزارت فرهنگ اگر کمك نکنند شاهد و ساکت است

همانطوریکه ملل دنیا برای ترقی خود زن را در ردیف اول قرارمی دهند و در مبارزه زندگی از او مشورت میکنند دوایران هم برای عقب راندن و خراب کردن این محیط زنرا زنده زنده درگفن میکنند وباچوب و سنك مانع میشوند که او نشان بدهد که بشر است ونمرده است .

مردان ایران ! وقت آن فرا رسیده که خود را بکاروان تمدن برسانید وقت آن فرا رسیده که هرآنکسی که خود را جوانمرد میداند جوانمردانه بکوشد وخواهران و دختران خود را از گرداب مذلت لجنزار خرافات نجات دهد

مردان ایران ! امروز ایران سردو راهی است دشمنان این مملکت و نامردان این ملت میدانند که باید زن را ضعیف و سست و توسری خور بار آورد تا بتوان ملت مطیع وتوسری خور در اختیار داشت

شما هم مردان ایران بدانید که نه تنها زنان ایران بلکه ملت ایران را یك خود نجات داده اید بدانید که قسمت عمده زنان ایران دوش بدوش شما خواهند آمد بدانید که زنان مبارز وآماده از شما همکاری میخواهند تا مکر این پرده جهل وغفلت از سر زنان ایران بر داشته شود وشما هم جزو مردم زنده حساب شوید

دو شنبه بحث و انتقاد

از کسانی که میخواهند از نظریه حزب توده ایران در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی آگهی یافته در باره آنها گفتگو و مباحثه نمایند خواهشمند است روزهای دوشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر بکلوب مرکزی حزب توده ایران مراجعه کنند نمایندگان و سایر روشن فکران حزبی راجع بمسائل مذکور با آنها گفتگو خواهند کرد

پیس سه دزد

کمدی اجتماعی در سه پرده

ترجمه از ادبیات ایتالیائی

زیر نظر وباشتراك نوشین

برای دریافت دعوت نامه بکافه کلوب حزب توده رجوع نمائید.

مفت میخورد یعنی سهم زارع را مساوی دو گاو دانسته و ارزش اورامعادل زن‌دوگاو تقویم مینمائید آنوقت است که نیت حقیقی خودرا که حمایت از بردگی است بروز میدهید و معنی « مهمترین مقام اجتماعی» دهقان را که مساوی دوگاو دانسته اید تفسیر مینمائید بله اینست بردگی و اینست حمایت از اصول برده داری !

ملت ایران که اکنون بیدار شده و با قدمهای تند در مسیر نهضت قدم برمیدارد دیگر اجازه نخواهد داد طبقه حاکمه با آن مانند غلامان رفتار کرده و نمایندگان آن در مجلس سفسطه نمایند . یك تکان ، یك حرکت شهامت آمیز زنجیر های تارعنکبوتی شمارا که باطراف ملت ایران تنیده اید پاره خواهد کرد و آزادی زندگی و سعادت او را تامین خواهد نمود . آنروز دیگر برای شما مجال نخواهد بود که ملت زحمتکش ایران را

برعلیه هرگونه استعمار...

بقیه از صفحه اول

خود ندارد » «انتخاب بخشداران وسرپرستها بهیچوجه باموافقت فرمانداری بوده و گویا با نظر متفقین احکام آنها صادر گردیده » « این اشخاص (یعنی بخشداران وسرپرستها) بهیچوجه اوامر فرمان داری را اجرا ننموده ومستقیماً باکنسولخانه انگلیس ومستشارسیاسی خارجی طرف مکاتبه ومراجعه واقع شده‌اند وهرکس برخلاف مصالح آنها باشداورا نزد متفقین طوری جلوه میدهند که منجر به تبعید و خروج از محل شده چنانچه عده زیادی از این اشخاص در کرمانشاهان وهمدان و تهران سرگردان و ویلان میباشند » « لوچ خسروی بخشدار کرند که ازطرف وزارت کشور منتظر خدمت شده بود باتوسل بکنسولخانه انگلیس و کلنل قلیچر مامور سیاسی حکم رسمی وزرخانه رانفش ودو پست خود باقی گردید » « تبلیغات بخشداران محلی ورسمی اینست که هر فردی هر کاری وشکایتی دارد باید بمقامات خارجی نماید ، کلیه خدمتگزاران و استاندار وفرماندار وروسای قشون وژاندارمری همه تابع آنها میباشند»

۲ — ارتش و ژاندارمری غرب نیز تحت نفوذ همان مقامات خارجی است فرماندار شاه آباد مینویسد : « تبلیغات بخشداران محلی ورسمی اینست که . . . . و روسای قشون وژاندارمری همه تابع مقامات خارجی می باشند » .

۳ — سعی میشود عشایر و مردم و کارمندان منطقه غرب هم تحت اراده مامورین سیاسی خارجی در آمده و مطیع آنها باشد و حل و فصل امور بوسیله آنها انجام گیرد . در گزارش فرماندار شاه آباد دیده می شود :

« در استان ه تمام امورات بدست مستشارسیاسی ! بوده واستانداری و سایر ادارات کوچکترین عملی راحتی امورات داخلی بدون نظر وتصویب مستشار سیاسی نمیتوانند انجام دهند ؛ بهمین واسطه مقدرات کارمندان بیچاره مربوط بنظر مستشار مزبور بوده و روی همین اصل درتمام منطقه غرب از رعایا الی کارمندان تماماً انضباط اداری وروابط با وزارتخانه های خود را اجباراً فراموش و برای ابقاو حفظ موقعیت خود متوسل به کنسولخانه انگلیس و مستشار سیاسی کلنل بیت شده‌ومیشود » « اگر کارمندی دارای هزار گونه اخلاق و رفتار زشت باشد ولی مرتبا نزد مستشارسیاسی و کنسولخانه انگلیس رفته راپرتهائی بدهد و خاوجیها ازاوتعریف کنند روساو استاندار بدون مطالعه تائید مینمایند . اگر کارمند نخواهد تقاضای غیرقانونی مامورین متفقین را انجام دهد و مامورین سیاسی آنها باستانداری شکایت نمایند بدون هیچگونه سئوال و جواب . . . فوراواوامر آنهااجرا شده در تعویض کارمندان اقدام میکردد »

بادقت در مطالب بالا مقدار قدرت و استقلال دولت مرکزی در درجه غرب واضح میشود و بعلاوه بادر نظر داشتن این مطلب که دولت مرکزی از کلیه جریان کارها بموجب همین گزارشات آگاه است وهیچگونه عکس العملی نشان نمیدهد و بلکه بعکس در انتخاب مامورین موافق مصالح خارجیان حسن خدمت نشان میدهد ماهیت دولت مرکزی بزرهویدا میشود

مطالب دیگری نیز از گزارش فرمانده غرب درك میشود باینقرار که « بخشداران و سرپرستهای نامبرده دربالا که بانظر مقامات انگلیسی انتخاب میشوند همگی تعدادی اسلحه بنام امنیت میگیرند وهمین اسلحه رابرعلیه مخالفین شخصی خود و افراد میهن پرست عشایر بکار میبرند » « این بخشداران و سرپرستها از امتیازات اقتصادی برخوردارند و مقداری تنه و تنگر وغیره بنام عشیره خود از دولت میگیرند که نفع خود مصرف مینمایند » « کلیه ایلات و اغلب رعایا از راههای مختلف و مرموز اسلحه بدست آورده و آماده شورش میباشند — امنیت فعلی در ناحیه غرب موقتی و بنا بمصالح متفقین است » « همین که . . . . ارتش متفقین ایران راتخلیه نمایند ابتدای کشمکش وانقلاب داخلی وبی نظمی بوده . . . »

و بالاخره « با ادامه این وضعیت حس ملیت وایرانیت از فرد فرد طوایف رفته و با تبلیغاتی که این بخشدار های رابسته به اجانب مینمایند درآینده زیان فراوان بملت وقدرت و عظمت دولت وارد خواهد شد» اسناد واطلاعات دیگر نیز حکایت میکند که امور تجارت واقتصاد غرب نیز تحت نفوذ کلی مقامات خارجی قراردارد.

اینك که اوضاع منطقه غرب معلوم شد بآسانی میتوان اوضاع سایر نواحی جنوبی را نیز از روی آن قیاس کرد . بدیهی است که سیاست واحدی درکلیه این نواحی اعمال میشود ولذا نتیجه مشابهی رابایدازآن در نقاط مختلف انتظار داشت .

البته توجه باین نکته نیز لازم است که مداخلات و اعمال نفوذهای مزبور بهیچوجه جنبه نظامی نداشته وصرفا از دوایر سیاسی خارجی ناشی میشود زمانی که همکاری مامورین دولت و موافقت اولیای حکومت مرکزی . نمایندگان اکثریت مجلس را که مدافع این وضعیت میباشند در نظر گیریم می خواهیم بردکه طبقه حاکمه کشورما تاچه اندازه بازیچه سیاست استعماری بوده و چقدر از استقلال و خود مختاری برخوردارند . فقط با دقت در این حقایق میتوان اصالت سیاست داخلی وخارجی کشورو نقشه‌های ناسازی را که هر روزبکوشی بیرنددرك نمود .

وقتی ما میگوئیم که ارتجاع داخلی و خارجی همه جا هم آنانك برعلیه آزادی ملت و استقلال حقیقی میهن ما دسیسه و اقدام میکنند حق با ماست ،ما این حقایق را همیشه بهدایت منطق خود پیش بینی میکردیم وبهمین جهت ازدیر زمانی باشهامت کافیست بکلیه آزادیخواهان و میهن پرستان ملا زدیم که یاما برعلیه هرگونه استعمار کشور مبارزه کنند.

که روزی ده شماست و تمام وسایل مفتخوری و عیاشی خودرا ازنتیجه کار و زحمت او بدست میآورید گدا نامیده و تصدق سرخودپسانی امردهید که بجام عدل شما که سهم دهقان مساوی دو گاو است» باده داده و سرمست از باده بیخبری و خودپسندی بگوئید؟

ساقی بجام عدل بده باده تاگدا
فرصت نیاورد که جهان برپا کند!